

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال اول

- ۸ • تحولات قانون جدید مجازات اسلامی در مورد قلمرو مکانی قوانین جزایی
علی خالقی
- ۳۹ • قاعده‌های تفسیری ویژه در حقوق جنایی
علی شجاعی
- ۵۸ • معیارهای دادرسی عادلانه ناظر بر توقیف متهم
محمد فرجیها - محمدباقر مقدسی
- ۸۲ • نقد آزادی شناختی اهانت به باورهای دینی
محمدهادی ذاکر حسین
- ۱۰۴ • موانع پیش‌روی دادگاه‌های ملی در تعقیب جنایات بین‌المللی بر مبنای معیار صلاحیت جهانی
معصومه‌سادات میرمحمدی
- ۱۴۲ • مسؤولیت مدنی و کیفری تولیدکنندگان کالای غیر استاندارد
صادق دشتی - پژمان محمدی - حسین آقایی جنت‌مکان
- ۱۷۰ • آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز خشونت در جوامع
طاهره عابدی تهرانی - فاطمه افشاری
- ۱۹۸ • بررسی گستره اعمال فرض برائت توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر
بهنام مدی





http://jclc.sdil.ac.ir/article_43458.html

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱، نیمسال اول ۱۳۹۲
صفحات ۱۷۰ الی ۱۹۷، تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۳/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۲

آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز خشونت در جوامع

طاهره عابدی تهرانی* - فاطمه افشاری**

چکیده: یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در زندگی جوامع، رسانه است. علت اهمیت تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت و ... از این روست که امروزه رسانه‌ها بیش از آنکه تأثیرات مثبت داشته و موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرایم گردند، نقش بسزایی در زمینه‌سازی و ایجاد انحرافات و جرایم دارند. یکی از موارد زمینه‌ساز جرم که رسانه به ویژه رسانه‌های تصویری در ایجاد آن تأثیر دارد، ایجاد خشونت است. عنصر خشونت، آسیب رساندن به غیر است که در موارد بسیاری جرم‌انگاری شده است. رسانه‌های تصویری با عادت دادن مخاطب به حوادث، حساسیت‌زدایی، بی‌قیدی و ... زمینه‌یادگیری خشونت از رسانه را فراهم می‌آورند و پس از آن، این خشونت، عیناً در جامعه مورد تقلید واقع شده و اجرا می‌گردد. البته در ایجاد خشونت واقعی عوامل دیگری مانند عوامل زمینه‌ای رسانه‌ای، عوامل فردی و عوامل محیطی نیز دخالت دارند. از مهم‌ترین این عوامل؛ عامل سن است. افراد دارای سنین کمتر به مراتب بیشتر، تحت تأثیرات رسانه قرار می‌گیرند و این به دلیل واقع‌انگاری، توانایی شناختی ناقص آن‌ها و عدم توانایی ارتباط دادن صحنه‌های برنامه به نتیجه نهایی است. با وجود این تأثیرات، لازم است دولت، برنامه‌سازان، مدارس و اولیا، به نحو مشارکتی و با برنامه‌ای مدون، سعی در کنترل رسانه‌ها، نظارت بر برنامه‌های آن، توجه بیشتر به محتوای برنامه‌ها و ارائه برنامه‌های متناسب با سن مخاطبان نمایند.

کلیدواژه‌ها: رسانه، خشونت، پیشگیری، یادگیری، تقلید.

Email: tm_abedy_60@yahoo.com

* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی (دانشگاه تهران)

** کارشناس ارشد حقوق عمومی (دانشگاه علامه طباطبائی - نویسنده مسؤل) Email: mehr.solh399@yahoo.com

مقدمه

رسانه‌های گروهی با انتخاب موضوعات خاص و وقایع ویژه و معرفی آن‌ها تحت عنوان موضوعاتی مهم به عنوان قدرتی بزرگ و تأثیرگذار، در امور اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای برای خود پیدا کرده‌اند. در مورد تأثیر رسانه‌های گروهی بر روی افراد جامعه یک نکته بسیار کلیدی وجود دارد و آن این است که عموماً رسانه‌های گروهی به ویژه رسانه‌های تصویری دسترسی مستقیم به طیف وسیعی از افراد جامعه دارند^۱ و به همین دلیل افراد بسیاری تحت تأثیر برنامه‌های مثبت و منفی رسانه قرار می‌گیرند. به دلیل تأثیرات منفی رسانه بر جامعه و افزایش میزان انحرافات و جرایم، لازم است علل و عوامل ارتکاب جرایم و میزان تأثیر رسانه در آن، مورد بررسی واقع گردد و همچنین باید برنامه‌های رسانه‌ها نیز مورد بررسی واقع شود تا مشخص گردد، چه عواملی در برنامه‌ها باعث افزایش جرایم می‌گردد.

درباره تأثیرات منفی رسانه این سوال مطرح می‌گردد که آیا ارائه خشونت در رسانه بر ایجاد خشونت در جامعه مؤثر است و چه عواملی موجب ایجاد این اثر می‌گردند؟ سوال دیگری که مطرح می‌گردد این است که به جز خشونت رسانه‌ای چه عوامل دیگری در ایجاد خشونت واقعی تأثیر دارند؟ به نظر می‌رسد یکی از عوامل زمینه‌ساز جرم، خشونت‌زایی رسانه است که خشونت ناشی از رسانه بر روی مخاطبان تأثیر گذاشته و موجب افزایش خشونت واقعی به ویژه در افراد سنین پایین می‌گردد و این افزایش خشونت، زمینه بسیاری از جرایم می‌گردد. رسانه‌های گروهی با عادت دادن مخاطب به حوادث، حساسیت‌زدایی، بی‌قیدی و ... زمینه یادگیری خشونت از رسانه را فراهم می‌آورند و پس از آن، این خشونت، عیناً در جامعه مورد تقلید می‌گردد؛ اما به نظر می‌رسد، علاوه بر خود رسانه، عوامل فردی و محیطی و ... نیز در ایجاد خشونت واقعی نقش مؤثری دارند.

در این مقاله، علل تأثیر خشونت رسانه‌ای که از طریق رسانه‌های دیداری ارائه می‌گردد بر خشونت واقعی و سایر عوامل مؤثر در ایجاد خشونت مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن پیشنهادهایی برای کاهش این خشونت، ارائه می‌گردد.

الف) کلیات

قبل از بررسی تأثیرات منفی رسانه در افزایش خشونت، لازم است، خشونت را مورد شناسایی قرار دهیم.

الف-۱) تعریف خشونت

برای خشونت تعاریف مختلفی ارائه شده است که در ذیل برخی از آن‌ها مطرح می‌گردد تا بر اساس آن‌ها بتوانیم به تعریفی کامل از خشونت ارائه دهیم:

فروید، خشونت را امری ذاتی و غریزی می‌داند و در تعریف آن می‌گوید: رفتاری که بدون داشتن هدف و یا با هدف، موجب آسیب به فرد یا گروه دیگر می‌گردد.^۲

نویسنده‌ای دیگر در تعریف خشونت آورده است: «خشونت، هر نوع نمایش آشکار تهدید جسمانی و قابل باور یا استفاده عملی از آن نیروی جسمانی با هدف وارد کردن آسیب جسمانی به یک موجود زنده یا گروهی از موجودات زنده است. همچنین شامل پدیده‌های زیان‌بار جسمانی برای یک یا چند موجود زنده نیز می‌گردد که در نتیجه عمل خشن نمایش داده نشده، به وقوع می‌پیوندد».^۳

در کتاب «پرخاش و خشونت در جوانی» نیز چند تعریف از خشونت بیان شده است. در یکی از این تعاریف خشونت را بدین نحو تعریف می‌کند: «اظهار خصومت و خشم با هدف ایراد جرح یا خسارت به دیگران یا اموال آن‌ها از طریق نیروی بدنی ... و احساس یا شدت عواطف ...»^۴ نویسنده در تعریف دیگری خشونت را این‌گونه تعریف می‌کند: «اعمال نیروی بدنی به منظور ایراد جرح به افراد ... که باعث آسیب بدنی می‌شود ... و یا به اجبار، آزادی فردی کسی را مختل می‌کند».^۵

مایکل کانزیک^۶ خشونت را رفتاری ساختاری خشن می‌داند که درون یک نظام اجتماعی بنیاد نهاده شده است و بدون وجود یک بازیگر مشهود و بدون آنکه قربانیان آن از خشونتی که به آنان اعمال می‌شود آگاه باشند، در مناسبات نابرابر قدرت نمود می‌یابد.^۷

۲. تنکابنی، «اثرات خشونت در تلویزیون بر رفتار خشونت‌آمیز»، ۲۳-۱۹.

۳. کارلسون و فایلتزن، کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی، ۱۰۲.

۴. مارکوس، پرخاش و خشونت در جوانی، ۷.

۵. همان، ۱۱.

6. Micheal Kunzick

۷. کانزیک، «پژوهش‌های جدید در باب رسانه و خشونت»، ۱۰۲.

در تعاریف دیگری که از خشونت ارائه شده است هدف خشونت آسیب رساندن به ارگانیزم زنده یا فرد یا اشیاء، تنبیه، انتقام، ارباب یک موجود یا گروهی از موجودات و یا تخریب اشیاء و دارایی است و یا در عمل می‌تواند باعث مجروح کردن، آسیب رساندن به حمله کننده، درد، زخم، رنج بدنی یا روانی یا هر دوی آن‌ها را بر فرد وارد می‌سازند.^۸

همان‌گونه که دیده می‌شود در اکثر تعاریف‌های ارائه شده از خشونت، عنصر آسیب رساندن به غیر قید گردیده است؛ اما اکثراً تنها آسیب رساندن جسمی به دیگران را به عنوان خشونت دانسته‌اند که یک تعریف محدود از خشونت است. در حالی که یک تعریف دقیق از خشونت، همه آسیب‌های جسمانی، روحی- روانی و حتی بی‌حرمتی‌ها را شامل می‌شود اما این امر در تعاریف، مورد غفلت، واقع شده و بخش مهمی از خشونت‌ها، نادیده گرفته شده‌اند.

با توجه به تعریفی که از خشونت ارائه شد، اگر بخواهیم مقام خشونت در رسانه را بیان کنیم باید خشونت رسانه‌ای را نیز تعریف کنیم. در تعریف خشونت رسانه‌ای گفته شده است: «اگر خشونت را هر گونه هجمه به هنجارهای اجتماعی اعم از قانونی تعریف کنیم، کلیه فیلم‌ها، نمایش‌ها و برنامه‌هایی که اعمال جنایی، قتل، دزدی و به طور کلی نقض قوانین را به نمایش می‌گذارد و همچنین فیلم‌ها و برنامه‌هایی که با هدف به ابتدال کشاندن زندگی جوانان و القای این مطلب که ارزش‌گذاری برای لحظات زندگی امری بیهوده است، به ارائه تصویر و موضوعات سکس و هرزگی می‌پردازند و یا رفتارهای ناهنجاری نظیر اعتیاد به مواد مخدر و ... را تبلیغ می‌کنند، در حوزه خشونت رسانه‌ای قرار می‌گیرند»^۹

الف-۲) تعریف رسانه‌های دیداری (تصویری)

رسانه‌های تصویری، رسانه‌هایی هستند که برای انتشار برنامه‌ها، اخبار، آگهی‌ها و پیام‌های خود از پخش صوت و تصویر به صورت توأمان استفاده می‌کنند. تلویزیون، سینما و اینترنت مصادیق کامل و برجسته پخش تصویر به عنوان یک وسیله ارتباطی

۸. تنکابنی، پیشین، ۲۳-۱۹؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، «تحلیل محتوای خشونت در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی»، ۹۰؛ فاضل، «رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی»، ۳۴.
 ۹. اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، «بررسی نقش رسانه‌های گروهی در پیشگیری از وقوع جرم».

جمعی هستند.^{۱۰} لازم به ذکر است که برخی از صاحب نظران علوم ارتباطات، اینترنت و کامپیوتر را در دسته‌بندی جداگانه‌ای با عنوان «رسانه‌های کامپیوتری» قرار می‌دهند.^{۱۱} در این مقاله معنای اخص رسانه تصویری بیشتر مد نظر می‌باشد.

الف-۳) انواع رفتار خشونت‌آمیز

رفتار خشونت‌آمیز بر اساس معیارهای گوناگون، دارای انواع گوناگونی است. در اینجا ما چند دسته‌بندی را که طرفداران بیشتری دارند بیان می‌کنیم:

اول: باس^{۱۲}، خشونت را بر اساس نحوه فعالیت فرد به دو دسته فعال و غیر فعال تقسیم می‌نماید. سپس هر کدام از دو نوع ذکر شده را به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم و از جنبه دیگر به دو نوع فیزیکی و کلامی قسمت‌بندی می‌کند و برای هر کدام مصادیقی را ذکر می‌نماید که در جدول زیر مصادیقی از آن‌ها ذکر شده است.^{۱۳}

فعال	مستقیم	غیر مستقیم
فیزیکی	مشت زدن به غیر	شوخی عملی و ناراحت‌گری
کلامی	توهین	شایعات و اراجیف‌گویی بدخواهانه و کینه‌توزانه

غیرفعال	مستقیم	غیر مستقیم
فیزیکی	مسدود کردن راه افراد	امتناع از انجام یک وظیفه لازم
کلامی	امتناع از سخن گفتن	موافقت کردن

دوم: گوویا^{۱۴}، شریکو^{۱۵}، کوریوو^{۱۶} و ویسر^{۱۷} با استفاده از فهرست خشونت که باس و دورکی^{۱۸} ابداع کرده‌اند هفت جنبه خشونت را بیان کرده‌اند: ۱- حمله (خشونت فیزیکی علیه دیگران)؛ ۲- خشونت غیر مستقیم (بدگویی مغرضانه، محکم بستن در، به راه انداختن داد و فریاد)؛ ۳- زودرنجی (بدخلقی، نق زدن، بهانه گرفتن، گستاخی، زود خشمی)؛ ۴- منفی‌گرایی (موضع‌گرایی، مخالفت مداوم با افراد بالاتر از خود)؛ ۵- نارضایتی (حسادت و نفرت از دیگران به ویژه مرتبط با سوء رفتار)؛ ۶- سوء ظن

۱۰. دیندار فرکوش و صدری‌نیا، روابط عمومی و رسانه، ۴۴.

۱۱. دانایی، رسانه‌شناسی، ۱۷.

12. Buss

۱۳. تنکانی، پیشین، ۲۴.

14. Govia

15. Cherico

16. Corriveau

17. Velicer

18. Durkee

(فرافکنی، بی‌اعتمادی، خصومت نسبت به غیر)؛ ۷- ستیزه‌جویی کلامی (جدل کردن، فریاد کشیدن، تهدید کردن، دشنام دادن).^{۱۹}

الف-۴) بررسی نظرات درباره تأثیر رسانه‌های تصویری در افزایش خشونت

نمایش بی‌حد و حصر خشونت‌هایی مانند خشونت‌های فیزیکی، تهدید، دشنام، زودخشمی و ... در وسایل ارتباط جمعی، باعث شده خشونت از بزرگسالی به کودکی انتقال یابد چرا که کودکان مهارت‌های شناختی، ذهنی و اجتماعی لازم را برای درک، توجیه و مقابله با خشونت ندارند و تفاوت بین واقعیت و خیال را به درستی نمی‌فهمند، از این رو، دنیایی که با پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز در ذهن کودکان ترسیم می‌شود، دنیایی خشن، ناایمن، بدون عاطفه، مادی، زشت، پر از جنگ و نزاع و درگیری است و می‌توان گفت به همین دلیل امروزه سن بزهکاران کاهش یافته و میزان جرایم افزایش پیدا کرده است.^{۲۰}

در حقیقت، می‌توان رسانه را به عنوان «منبع محرک جرم‌زایی مکمل» به شمار آورد که نسبت به بعضی شخصیت‌ها و سنین تأثیر بیشتری دارد. این ابزار علاوه بر تحریک در ایجاد جرم، در مواردی نقش آموزش دهنده کیفیات اجرای جرایم را داراست.^{۲۱} در این رابطه از گذشته تا کنون نظریات مختلفی ابراز شده که مبتنی بر انجام تحقیقات چندین ساله محققان است.

در یک دیدگاه، پیرامون رابطه رسانه و خشونت دو نظریه مطرح شده است: نظریه اول، نظریه تخلیه هیجانی (نظریه پالایش) است که در آن تماشای صحیح اعمال خشن، درمان بخش است و موجب تخلیه عصبانیت و نفرت فرد از خود می‌شود که فرصت یا امکان بروز احساسات و رفتار خشن را ندارد. این نظریه ظاهراً توسط طرفداران فروید مطرح شده است.

نظریه دوم، نظریه تحریک‌کنندگی می‌باشد که بر اساس آن قرارگرفتن مستمر در معرض رفتارهای خشن تأثیر معکوس و مخربی بر شخصیت و نگرش انسان‌ها دارد. محتوای خشونت بار رسانه‌ها باعث بروز رفتارهای خشن در تماشاگران می‌گردد و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را کمرنگ می‌سازد.

۱۹. فاضل، پیشین، ۳۸ و ۳۹.

۲۰. حاتمی، «اثرات خشونت تلویزیونی بر بینندگان»، ۵۹.

۲۱. گسن، جرم‌شناسی نظری، ۱۲۵.

طرفداران این نظریه معتقدند رسانه‌ها از طرقی مانند یادگیری اجتماعی، تقلید و الگوپردازی از ارزش‌ها، هنجارها و فنون خشونت، حساسیت‌زدایی و افزایش تحمل بینندگان و قبول خشونت، افزایش برانگیختگی فرد و تقویت پرخاشگری او باعث پرخاشگری در جامعه می‌شوند.^{۲۲}

در خصوص این دو نظریه اتفاق نظر وجود ندارد، بسیاری از جرم‌شناسان، بیشتر از نظریه تحریک‌کنندگی استقبال می‌کنند، با این وجود هنوز در این خصوص بحث است و نمی‌توان یکی از این دو نظر را پذیرفت؛ زیرا هر دو با دید افراطی و تفریطی به بررسی قضیه پرداخته‌اند.

از نگاه دیگر، بر اساس علل زمینه‌ای مؤثر خشونت رسانه‌ای در افزایش خشونت واقعی، چند فرضیه مطرح شده است:

یکی از این فرضیه‌ها فرضیه بی‌قیدی است. در این فرضیه بیان می‌شود، تماشای خشونت در تلویزیون می‌تواند استفاده از خشونت را در زندگی واقعی، برای بینندگان مشروع جلوه دهد و این کار را از طریق تحلیل تدریجی تجربه‌های اجتماعی علیه رفتار خشن، که در حالت طبیعی بازداشتن از چنین رفتارهایی مؤثر واقع می‌شوند، انجام می‌دهد.

فرضیه دیگر، فرضیه تقلید است با این اعتقاد که بینندگان به ویژه کودکان ترغیب می‌شوند که رفتارهای شخصیت‌های اصلی را یاد گرفته و عیناً تکرار کنند.

فرضیه دیگر، فرضیه حساسیت‌زدایی است. حساسیت‌زدایی بدین معناست که تماشای مداوم خشونت از رسانه منجر به کم شدن پاسخ عاطفی به خشونت می‌شود و به نوعی پذیرش هر چه بیشتر خشونت در زندگی واقعی است.

فرضیه چهارم، فرضیه بازداری‌زدایی می‌باشد. در این فرضیه ذکر می‌شود دیدن خشونت زیاد سبب می‌شود فرد بازداری خود را به عمل پرخاشگرانه از دست بدهد و در تعامل با دیگران به راحتی به خشونت متوسل گردد.^{۲۳}

از سوی دیگر، در یک دیدگاه اعم که بیشتر در خصوص تأثیرات بازی رایانه‌ای (به

۲۲. اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین؛ فیروزیخت، «ساخت اجتماعی جرم و خشونت رسانه‌ها»، ۵۹؛ بابایی، «آثار رسانه‌های گروهی بر انحرافات اجتماعی»، ۱۵.

۲۳. بهمن‌آبادی، «تلویزیون و کاهش قبح خشونت»؛ نک: حسینی‌انجدانی، «بررسی تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان»، ۸۶-۸۴.

عنوان نوعی رسانه) بر افزایش خشونت کاربرد دارد، تأثیر رسانه در دو دیدگاه بیان شده است:

دیدگاه اول، دیدگاه کاربر فعال است بدین معنا که کاربران رسانه‌ها به طور نسبی دارای صلاحیت و توانمندی و قادر به حسن انتخاب هستند. نمایش‌های رسانه‌ها (به ویژه بازی‌های رایانه‌ای) به خودی خود دارای اثرات منفی و مضر نیستند بلکه برای کودکان و جوانانی که در شرایط خاص و مسأله‌دار قرار دارند ممکن است تولید مشکل کنند. کاربران در استفاده از رسانه فعال و خلاق هستند، از این رو، باید به درک خود آنان از بازی‌ها اهمیت داد.

دیدگاه دوم دیدگاه رسانه فعال است که این دیدگاه از چند نظریه ریشه می‌گیرد: نظریه اول، نظریه یادگیری اجتماعی است. در این نظریه اعتقاد بر این است که رفتارها از طریق تقلید و الگوپذیری موجب یادگیری می‌شوند.

نظریه دوم، نظریه تحریک‌پذیری عمومی است بدین معنا که رسانه سطح تحریک‌پذیری افراد را افزایش می‌دهد و در عمل بر انرژی و شدت عمل عاطفی می‌افزاید. به این ترتیب برنامه‌های خشن باعث بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌گردد.

نظریه سوم، نظریه پالایش می‌باشد. پالایش در این نظریه به این معناست که تجربه خشونت می‌تواند باعث کاهش احساسات پرخاشگرانه و تنش‌های درونی فرد شود.

نظریه چهارم، نظریه الگوی پرخاشگری عمومی است. این نظریه بیان می‌کند که محتوای خشن رسانه‌ای می‌تواند با تأثیرگذاری بر وضعیت درونی افراد موجب افزایش رفتارهای پرخاشگرانه شود.^{۲۴}

نظریه دیگر در زمینه تأثیر رسانه‌های جمعی در افزایش خشونت نظریه ناکامی پرخاشگری است. در این نظریه بیان می‌شود، بیندگانی که در محیط زندگی خود به دلیل تنبیه شدن، مورد توهین قرار گرفته‌اند یا به دلیل محرومیت‌های جسمانی، مأیوس و سرخورده شده‌اند، خشونت رسانه‌ای را نشانه‌ای برای تبدیل سرخوردگی خویش به پرخاشگری تفسیر می‌کنند.^{۲۵}

نظریه دیگری که در این زمینه قابل توجه است، نظریه گربنر^{۲۶} است. او می‌گوید: «تلویزیون مانند مذهب برای مردم عمل می‌کند». او معتقد است تمامی برنامه‌های

۲۴. نک: نیلسن و اسمیت، «بازی با آتش»، ۱۷۶ و ۱۸۰ و ۱۸۱.

۲۵. رشیدپور، تلویزیون و اطفال، ۷۶.

رسانه‌ها، فرهنگی مشترک برای تماشاگران می‌سازد که زمینه برقراری ارتباط با دیگران می‌شود. او اقلیت کودکان، زنان و کهنسالان را قربانی خشونت در رسانه می‌داند. به عقیده گربنر، افرادی که بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند، دنیا را خصمانه‌تر می‌بینند.^{۲۷}

بندورا^{۲۸} نظریه پرداز دیگری است که در این زمینه بعد از بررسی‌های فراوان اظهار نظر نموده است. او معتقد است: تماشای خشونت موجب یادگیری رفتار پرخاشگرانه می‌گردد و کودکان یا به طور مستقیم آنچه را بر صفحه تلویزیون می‌بینند، تقلید می‌کنند یا آن را به ذخیره الگوهای رفتاری خویش می‌افزایند.^{۲۹} هوسمان^{۳۰} در نظریه خود درباره تأثیر رسانه بر خشونت می‌گوید: تماس مکرر با خشونت رسانه‌ای موجب شکل‌گیری جهان‌بینی پیچیده‌ای در افراد می‌شود که احتمال بروز خشونت را در زندگی روزمره بیشتر می‌کند.^{۳۱}

بر اساس نظریات بیان شده، می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی جای داد: دسته اول معتقدند مشاهده خشونت رسانه‌ای موجب پرخاشگری می‌شود: این دسته با بیان عوامل و علل، سعی در توجیه سخن خود دارند. آن‌ها توجیحات خود را در قالب نظریاتی مثل یادگیری اجتماعی، بازدارندگی، حساسیت‌زدایی و ... مطرح می‌کنند. دسته دوم نظرشان بر این است که خشونت رسانه‌ای و پرخاشگری با هم ارتباط دارند؛ اما علت پرخاشگری، خشونت رسانه‌ای نیست. عده‌ای نیز در کنار این نظریه، در عین اینکه خشونت رسانه‌ای را یکی از عوامل ایجاد خشونت واقعی می‌دانند، به سایر عوامل مؤثر در ایجاد خشونت نیز توجه دارند و مجموعه همه عوامل را موجب خشونت می‌دانند.

و دسته سوم بر این باورند که هیچ ارتباطی بین این دو وجود ندارد: نه تنها خشونت رسانه‌ای باعث خشونت واقعی نمی‌شود؛ بلکه موجب تسهیل و آرامش روحی و هیجانی افراد شده و زمینه جرم را در آن‌ها کاهش می‌دهد.

۲۷. بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۸۸.

28. Bandura

۲۹. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۷۴.

30. Husman

۳۱. همان، ۲۷۵ و ۲۷۶.

ب) علل تأثیر خشونت رسانه‌ای بر خشونت واقعی

ارائه خشونت در رسانه از طریق صدا و تصویر و زنده نمایی و ... در موارد بسیار موجب ارائه خشونت در سطح جامعه و در عرصه زندگی واقعی می‌گردد. عوامل مختلفی در این تأثیربخشی رسانه وجود دارند که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برای بررسی علل تأثیر خشونت رسانه، در ابتدا باید به بررسی عوامل ایجاد خشونت بپردازیم این عوامل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول عوامل درونی است با این توضیح که منبع نیروهای خشونت به طور طبیعی در درون فرد ریشه دارد. در واقع انرژی‌های درونی فرد به شکل اعمال و کنش‌های مختلف مصرف می‌گردد و انرژی فرد به رفتار خشونت‌آمیز تبدیل می‌شود. فروید و هارتمن از معتقدان این نظریه هستند؛ فروید معتقد است منبع خشونت در نیروی نهاد مرد است و هارتمن می‌گوید: خشونت محصول نیروی سائق پایدار است. هر دوی این افراد اعتقاد دارند این انرژی باید به اشکال گوناگون آزاد گردد، چرا که در غیر این صورت موجب بیماری می‌گردد. آن‌ها معتقدند این نیرو ممکن است یا به شکل اعمال سازنده و مورد قبول اجتماع ظاهر شود و یا به صورت نیروی محصور و پایمال شده‌ای باقی‌مانده و در شرایط مناسب به طور غیر قابل اجتناب به شکل یک عمل خشونت‌آمیز آشکار گردد.^{۳۲}

دسته دوم عوامل، عوامل بیرونی می‌باشد. بال بای^{۳۳}، تراپ^{۳۴} و هس^{۳۵} علاوه بر عوامل درونی، عوامل بیرونی را نیز در جرم مؤثر می‌دانند.^{۳۶} میلر دولارد^{۳۷} می‌گوید: خشونت می‌تواند از عواملی مانند ناکامی واقع شود. او معتقد است خشونت یکی از پاسخ‌هایی است که به فشار، یعنی عاملی که به نحوی سبب جلوگیری از رفتار مورد نظر می‌گردد، داده شود و شدت و نیرومندی آن، با نیرومندی انگیزه ناکام شده، موقعیت ظاهر شدن ناکامی در دوری یا نزدیکی به هدف، دفعات تکرار عوامل ناکام‌کننده، میزان اختلال در رفتار و نوع عوامل ناکام‌کننده، رابطه

۳۲. تنکابنی، پیشین، ۹-۱۱.

33. Bawlbly
34. Throp
35. Hess

۳۶. تنکابنی، پیشین، ۱۲.

37. Miller Dollard

مستقیم دارد.^{۳۸}

اما بعد از جنگ جهانی دوم، در مقابل نظریاتی که عوامل درونی و بیرونی را عامل خشونت می‌دانست، نظریه دیگری مطرح گردید که برای نقش تجارب و یادگیری‌های رفتارهای خشونت‌آمیز اهمیت بسیاری قائل شد. طرفداران این نظریه بر این عقیده‌اند که با تماشای رفتار خشونت‌آمیز دیگران، فرد خشونت را یاد می‌گیرد. آن‌ها معتقدند که انواع مختلف رفتارهای خشونت‌آمیز در پاسخ به موقعیت‌های مختلف محیطی یاد گرفته می‌شود و با آزمایش‌های متعدد نشان دادند که میان مشاهده رفتار خشونت‌آمیز و عملکرد بعدی آن رفتار، رابطه وجود دارد. یعنی رفتار خشونت‌آمیز از طریق مشاهده و تقلید رفتار خشونت‌آمیز، شکل می‌گیرد.^{۳۹}

بندورا و والترز^{۴۰} از یادگیری تقلیدی و اثرات ترغیبی و بازدارنده آن بر رفتارهای مشاهده‌گر سخن به میان می‌آورند. آن‌ها می‌گویند یادگیری تقلیدی بدین معناست که مشاهده‌کننده با مشاهده پاسخ‌های مدل بر محرک‌های جدید، پاسخ‌هایی که قبلاً یاد نگرفته و در نتیجه در ذخیره اطلاعاتی او موجود نبوده است، یاد می‌گیرد و اثرات ترغیبی و بازدارنده، یعنی پاسخ‌های یادگرفته شده قبلی که در ذخیره اطلاعاتی مشاهده‌کننده موجود است با مشاهده پاسخ‌ها و نتایج پاسخ‌های مدل تحت تأثیر قرار می‌گیرد.^{۴۱}

ب-۱) تقلید^{۴۲}

یکی از علل مؤثر در تأثیرگیری از خشونت رسانه‌ای در خشونت واقعی، امر تقلید است. به این معنا که بینندگان، به خصوص بینندگان کم‌سن و سال ترغیب می‌شوند رفتارهایی را که از شخصیت‌های رسانه‌ای سر می‌زند، عیناً در عمل تکرار کنند. حال اگر رفتار شخصیت اصلی و محبوب در برنامه، یک رفتار خشونت‌آمیز باشد، آن‌ها نیز همان رفتار خشونت‌آمیز را عیناً تکرار می‌نمایند.^{۴۳} مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که

۳۸. تنکابنی، پیشین، ۱۳.

۳۹. همان، ۱۵ و ۱۶.

40. Bandura- Walterz

۴۱. تنکابنی، پیشین، ۱۶ و ۱۷.

42. imitation

۴۳. بهمن‌آبادی، «تلویزیون و کاهش قبح خشونت»؛ قاسمی، «رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی - تصویری

و بزهکاری نوجوانان در شهر تهران»، ۴۸.

کودکان یا به طور مستقیم آنچه را از رسانه می‌بینند تقلید می‌کنند یا آن را به ذخیره الگوهای رفتاری خویش می‌افزایند.^{۴۴} در مواردی بلافاصله پس از نمایش فیلم، تقلید انجام می‌شود؛ در صورتی که در فیلم صحنه‌های عصیان‌گری، پرخاش‌جویی، کشتار و خشونت باشد، ضمیر مخاطب پر از خشونت گشته و زمینه برای انجام خشونت در او آماده است. البته باید به این نکته توجه داشت که تقلید بلافاصله از رفتارهای رسانه‌ای در صورتی واقع می‌شود که علاوه بر آمادگی ذهنی فرد، سایر عوامل نیز در این زمینه مهیا باشد. به عنوان مثال نقش خانواده را در این زمینه می‌توان بیان کرد. در این رابطه یکی از محققان می‌گوید اولیاء باید بدانند کودک مقلد همیشه کنجکاوانه به اطراف می‌نگرد و رفتارهای والدین، قهرمان فیلم‌ها و شخصیت‌های کارتونی محبوبش در این امر می‌تواند کمک بسیاری به او برساند.^{۴۵}

برای مقابله با این تقلید کودکان از محتوای خشونت‌آمیز، والدین باید در انتخاب نوع فیلم فرزند دخالت کنند و در هنگام پخش فیلم‌های نامطلوب، به طور غیرمستقیم ذهن آن‌ها را به امور دیگر معطوف نموده و از تماشای صحنه‌های خشونت بار دور سازند. رسانه نیز می‌تواند از طریق گنجاندن برنامه‌های آموزشی مطلوب، کودکان را به تقلید از این برنامه‌ها بکشانند.

ب-۲) یادگیری اجتماعی^{۴۶}

این نظریه توسط بندورا مطرح گردید. او معتقد است یادگیری می‌تواند از طریق مشاهده سرمشق رخ دهد نه صرفاً به وسیله تقویت مستقیم. یادگیری مشاهده‌ای از طرق گوناگون مانند مشاهده رفتار افراد خانواده، تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... صورت می‌گیرد. از این رو، رسانه به دلیل ارائه مدل‌های مختلف اجتماعی می‌تواند عامل مشاهده‌ای مهمی در یادگیری رفتارهای اجتماعی باشد. بر اساس این فرضیه، همان‌گونه که کودکان مهارت‌های شناختی و اجتماعی‌شان را از مشاهده اعمال اطرافیان یاد می‌گیرند، با تماشای عمل خشونت در رسانه‌ها نیز پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند.^{۴۷}

۴۴. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۷۴.

۴۵. زندگی، «دعوت به تماشای خشونت در برنامه‌های تلویزیون».

۴۷. تنکابنی، پیشین، ۵۷.

در این نظریه چند نکته حائز اهمیت است:

اول آنکه در مواقعی یادگیری نهفته است. بدین معنا که گاهی افراد با مشاهده رفتارهای پرخاشگرانه سرمشق‌گیری می‌کنند اما در عمل به ظهور نمی‌رسانند و لی اگر در موقعیت تقویتی مناسبی قرار گیرند، آموخته‌ها را به ظهور می‌رسانند.^{۴۸}

نکته دوم اینکه در یادگیری، پاداش و تنبیه بسیار مؤثر است اما لازم نیست فرد برای یادگیری شخصاً به پاداش برسد بلکه مشاهده افرادی که با انجام رفتار خشونت‌آمیز به پاداش می‌رسند باعث یادگیری آن رفتار شده و خشونت را در فرد افزایش می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد که وقتی افراد مشاهده می‌کنند که به رفتاری پاداش داده می‌شود - در مقایسه با تنبیه - بیشتر احتمال یادگیری در آن‌ها وجود دارد.^{۴۹}

نکته مهم دیگر در الگوپذیری، ویژگی الگو است. نزدیکی شخصیت الگو با فرد، سن، جنس، نوع رفتار الگو، الگوی زنده، مقام و شهوت الگو همگی می‌تواند در سیر یادگیری مؤثر باشند.

و نکته آخر اینکه ویژگی مشاهده‌گران همچون سن، جنس، تحصیلات، خانواده، اعتقادات، ویژگی‌های فردی و ... نیز در سرمشق‌گیری مؤثر است.^{۵۰}

ب-۳) حساسیت‌زدایی^{۵۱} (تکرار-بی‌قیدی)

تماشای مداوم خشونت از تلویزیون، منجر به کم شدن پاسخ عاطفی به خشونت می‌گردد و مخاطب، خشونت در سطوح بالاتر را در زندگی واقعی می‌پذیرد^{۵۲} چرا که رسانه ناپرهیزی افراد از رفتارهای پرخاشگرانه را نسبت به دیگران کاهش می‌دهد. به بیان دیگر دیدن مکرر تصاویر، قبح عمل را کاهش می‌دهد و اعتیاد به تماشای صحنه‌های خشونت، منجر به کاهش حساسیت در برابر درد دیگران یا خشم نسبت به خشونت می‌شود.^{۵۳}

برخی محققان معتقدند افراد کم سن و سال در ابتدا، انگیزه‌ها و نتایجی برنامه‌های

۴۸. حسینی انجدانی، پیشین، ۸۴؛ کانکزیک، پیشین، ۱۰۵.

۴۹. حسینی انجدانی، پیشین، ۸۴؛ کانکزیک، پیشین، ۱۰۵.

۵۰. قاسمی، پیشین، ۵۰ و ۵۱.

51. desensitisation

۵۲. حسینی انجدانی، پیشین، ۸۳؛ پایمزد، «خشونت رسانه‌ها؛ بهمن‌آبادی»، «تلویزیون و کاهش قبح خشونت»؛ بیات، شرافتی و عبدی، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، ۱۱۱.

۵۳. شاه‌کرم‌اوغلی، «تصاویر خشونت‌آمیز تلویزیونی از طریق سیراب نمودن»، ۳۷.

تلویزیونی را کمتر درک می‌کنند و یا درک نمی‌کنند و نمی‌توانند آن‌ها را به یاد آورند، تنها برخی خصوصیات و جزئیات را به صورت ناقص به یاد می‌آورند اما با تکرار تماشای صحنه‌های خشونت، میزان درک و یادآوری انگیزه‌ها و نتایج اعمال خشونت آمیز به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد.^{۵۴} همچنین تماشای خشونت، تحمل کودکان را در برابر خشونت واقعی افزایش می‌دهد؛ چه از طریق طبیعی جلوه دادن این گونه رفتارها و چه از طریق جزئی جلوه دادن خشونت موجود در زندگی واقعی.

عده‌ای از محققان از حساسیت‌زدایی به عنوان خوگیری یاد می‌کنند. آن‌ها معتقدند: کاهش یا فقدان واکنش‌های احساسی شدید نسبت به تماشای صحنه‌های خشونت به نمایش درآمده که در نتیجه خوگرفتن به تماشای این گونه خشونت حاصل می‌شود، شاخصی برای خوگیری نسبت به خشونت واقعی نیز هست.^{۵۵}

ب-۴) واقع‌انگاری

این مسأله در خصوص کودکان رخ می‌دهد. از آنجا که کودکان فاقد توانایی کامل در تشخیص واقعیت از خیال هستند، خشونت در فیلم‌های تخیلی و نقاشی متحرک (مانند کارتونها) را واقعی تلقی می‌کنند.^{۵۶} در واقع کودکان به دلیل فقدان مهارت‌های شناختی و همچنین به واسطه نداشتن تجربه و آگاهی لازم، صحنه‌ها و گفتارهای غیرواقعی را حقیقت می‌پندارند و در نتیجه از آن‌ها تعبیر و تفسیر نادرستی می‌نمایند.^{۵۷}

دکتر کی‌نیا در این زمینه می‌گوید: «کودکان و نوجوانان در جهان رؤیای فیلم‌ها فرو می‌روند؛ در خلال هنر، خصوصیت ساختگی و تصنعی نابهنجار یا استثنایی یک وضعیت از بین می‌رود و تماشاگر احساس حقیقت می‌کند. از اینجا می‌توان پی برد که بعضی از فیلم‌ها تا چه حد برای نوجوان تماشاگر افراطی زیان بخش است ... و تماشای مستمر و تکراری این فیلم‌ها، کودک را به راه جرم و فرار می‌کشاند».^{۵۸}

در حقیقت کودک یا نوجوان به دلیل واقع‌انگاری، بعد از مشاهده فیلم، خود را در

۵۴. تنکابنی، پیشین، ۵۷.

۵۵. کانکزیک، پیشین، ۱۰۴.

۵۶. بیات، شرافتی و عبدی، پیشین، ۱۰۹؛ حسینی انجدانی، پیشین، ۸۳؛ کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۱۰۰.

۵۷. حاج‌محمدی، «کنترل از راه دور: نقش رسانه‌ها در کاهش یا افزایش جرایم».

۵۸. کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، ۱۹۷ و ۱۹۸.

نقش‌های گوناگون فیلم می‌بیند و بدین ترتیب از ارزش‌های جامعه و خانواده دور شده و با آن متعارض می‌گردد و به جرم روی می‌آورد.^{۵۹}

گاهی این مشکل بدین علت است که کودکان، بیننده برنامه‌هایی هستند که برای بزرگسالان ساخته شده است و به همین علت صحنه‌ها، شخصیت‌ها و موقعیت‌های این برنامه‌ها برایشان ناآشناست. در نتیجه ممکن است درک دیگری از این برنامه‌ها داشته باشند و حوادث غیر واقعی را همانند یک حادثه واقعی پنداشته و در درک مقاصد دچار اشتباه شوند.^{۶۰}

ج) عوامل زمینه‌ای مؤثر در ایجاد خشونت واقعی ناشی از خشونت در رسانه‌های تصویری

در ایجاد خشونت فرد از طریق مشاهده خشونت رسانه‌ای، عواملی وجود دارد که زمینه ساز ایجاد این خشونت می‌گردند. این عوامل را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- عوامل زمینه‌ای رسانه‌ای، ۲- عوامل زمینه‌ای فردی، ۳- عوامل زمینه‌ای محیطی.

ج-۱) عوامل زمینه‌ای رسانه‌ای

برخی از عوامل که زمینه ایجاد خشونت را در فرد ایجاد می‌کنند عواملی هستند که از درون برنامه‌های رسانه نشأت می‌گیرند و رسانه به عنوان عاملی برای ارائه آن‌ها به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد، عوامل زیر نقش مهمی در تعیین تأثیر تصاویر خشن رسانه‌ها بر یک بیننده دارند:

اولین عامل پاداش گرفتن یا تنبیه نشدن فرد خشن و مهاجم و عدم وجود عاقبت بد برای خشونت است.^{۶۱} خشونتی که بزرگ جلوه داده شود یا پاداش بیند برای بیننده زیان‌آور است اما خشونت‌هایی که تنبیه ندارد نیز در همین طبقه قرار می‌گیرد. خشونت همراه پاداش، بیننده را به یادگیری رفتار خشن ترغیب می‌کند اما در صورت تنبیه احتمال فراگیری خشونت در بیننده کاهش می‌یابد. پاداش در مقابل خشونت در واقع به نوعی تبلیغ خشونت در رسانه‌هاست حتی خشونت بدون پی‌آمد نیز احساس

۵۹. همان، ۱۹۸.

۶۰. جواد و دیگران، «بررسی تأثیر و سبک مداخله (نظارت) در تماشای خشونت تلویزیونی...»، ۱۰ و ۱۱.

۶۱. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۹۱؛ فیروزبخت، «ساخت اجتماعی جرم و خشونت رسانه‌ها به مثابه یک علت»، ۲۳۴؛ تنکابنی، پیشین، ۹۶؛ اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین.

بازدارنده‌ای برای انجام خشونت در بینندگان ایجاد نمی‌کند.^{۶۲} عامل دوم، میزان مواد خشونت آمیز در برنامه‌ها^{۶۳} (نمایش مستمر و زیاد خشونت موجب افزایش خشونت می‌گردد)^{۶۴} و وسعت و بی‌پرده بودن خشونت است که در ایجاد خشونت واقعی مؤثر می‌باشد.^{۶۵}

عامل دیگر، دلیل استفاده از خشونت می‌باشد.^{۶۶} بینندگان هر عمل خشونت آمیز را بسته به انگیزه‌های ویژه شخصیت مهاجم به گونه‌های مختلف تعبیر می‌کنند. برخی انگیزه‌ها مانند دفاع از خود، محافظت از افراد خانواده و ... خشونت را موجه جلوه می‌دهد؛ اما خشونت غیر موجه یا کینه‌توزانه احتمال تقلید یا فراگیری را در مخاطب کاهش می‌دهد.^{۶۷}

ماهیت مهاجم^{۶۸} عامل زمینه‌ای رسانه‌ای دیگری است که در ایجاد خشونت واقعی نقش، ایفا می‌کند. بینندگان بیشتر از شخصیت‌های مهاجمی تقلید می‌کنند و فرا می‌گیرند که آن‌ها را شخصیت‌هایی جذاب تشخیص دهند. برخی ویژگی‌ها، جذابیت شخصیت مهاجم را بیشتر می‌کند؛ به عنوان مثال بینندگان نسبت به مهاجمانی که مطابق با موازین اجتماعی رفتار می‌کنند دید مثبت‌تری دارند تا شخصیت‌هایی که رفتار بی‌رحمانه دارند.^{۶۹} پیام نمایش چنین شخصیت‌هایی حداقل سه تأثیر بر بینندگان دارد:

۱. خشونت وسیله مناسبی برای حل و فصل نزاع‌هاست؛
 ۲. خشونت سبب ارتقای رتبه اجتماعی فرد می‌شود؛
 ۳. خشونت می‌تواند مفرح و لذت بخش باشد.^{۷۰}
- عامل مؤثر بعدی ماهیت قربانی است. تماشاگران نسبت به شخصیت‌های جذاب،

۶۲. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۹۸؛ تنکابنی، پیشین، ۱۱۳ و ۱۱۴؛ حاتمی، پیشین، ۷۱؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۶.
۶۳. تنکابنی، پیشین، ۸۴.
۶۴. فیروزبخت، پیشین، ۲۲۹؛ صدر، «اثرات رسانه‌های همگانی، بررسی نقش و اثرات فرهنگی و اجتماعی رسانه‌های همگانی بر روی فرد و اجتماع»، ۲۴.
۶۵. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۸۶ و ۹۸؛ حاتمی، پیشین، ۷۰؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۳.
۶۶. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۸۶ و ۹۸.
۶۷. همان، ۹۷؛ حاتمی، پیشین، ۶۹؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۳.
۶۸. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۸۶.
۶۹. همان، ۹۶؛ حاتمی، پیشین، ۶۸؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۲؛ ورن، ماهیت پرخاشگری و شیوه‌های کنترل آن، ۱۷.
۷۰. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۸۹.

توجه بیشتری دارند و اغلب در تجارب عاطفی شخصیت قربانی، با او شریک می‌شوند و همدردی می‌کنند. البته ماهیت قربانی بیشتر حس ترس مخاطب را بر می‌انگیزد.^{۷۱} عامل دیگر، توجیه خشونت نمایش داده شده توسط رفتار قربانی می‌باشد.^{۷۲} تماشاگران نسبت به شخصیت‌های جذاب، توجه و حساسیت بیشتری دارند و اغلب در تجارب عاطفی شخصیت قربانی با او شریک می‌شوند و همدردی می‌کنند. نوع مدل ارائه شده در برنامه‌ها (مثل نوع دعوا، وسیله و ...) و استفاده از اسلحه:^{۷۳} عامل مؤثر دیگری در این زمینه است. استفاده از سلاح گرم کمری و سلاح سرد مانند انواع چاقوها، چه برای مخاطبانی که سلاح دارند و چه آن‌هایی که سلاح ندارند، در هنگام نزدیک شدن به آن شوک‌آور است و استفاده از آن‌ها به افزایش طبع خشن در بیننده می‌انجامد؛^{۷۴} اما سلاح در موضوعات ناراحت کننده می‌تواند باعث آرام شدن و کاهش خشونت گردد.

عامل بعدی شباهت بین جزئیات خشونت نمایش داده شده و شرایط زندگی واقعی بیننده است. با این توضیح که نمایش واقع‌گرایانه خشونت در مقایسه با صحنه‌های غیر واقعی، قابلیت بیشتری در ترغیب بیننده به رفتار خشونت‌آمیز دارد.^{۷۵} جنبه‌های تکنیکی ارتباط مثل صدا و هیجانات موجود در فیلم، عامل زمینه‌ای مؤثر به ویژه در گروه سنی جوانان است.^{۷۶} موسیقی و صداهای جذاب در نمایش صحنه‌ها خشن می‌تواند برای جوانان، صحنه‌هایی از خشونت بیرحمانه را غیرواقعی و هیجان‌انگیز جلوه دهد.^{۷۷} این امر به ویژه در بازی‌های رایانه‌ای شایع است. در این بازی‌ها با وجود جلوه‌های بصری و موسیقی‌های جذاب، بازیگر دچار هیجان می‌گردد و به آزار و کشتن دیگران در بازی می‌پردازد. این امر آمادگی روحی او را برای ارتکاب

۷۱. همان، ۹۶؛ حاتمی، پیشین، ۶۹؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۲؛ تنکابنی، پیشین، ۱۱۴.

۷۲. اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین؛ فیروزبخت، پیشین، ۲۲۴.

۷۳. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۱۲۲.

۷۴. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۹۷؛ حاتمی، پیشین، ۷۰؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۳؛ ورن، پیشین،

۱۸.

۷۵. اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین؛

فیروزبخت، پیشین، ۲۲۴.

۷۶. ورن، پیشین، ۱۶؛ فیروزبخت، پیشین، ۲۴.

۷۷. ورن، پیشین، ۱۷؛ کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۱۶.

جرم افزایش می‌دهد.^{۷۸}

عامل دیگر، استفاده از طنز در نمایش صحنه‌های خشونت است.^{۷۹} در این رابطه دو نظر وجود دارد:

۱- خشونت در قالب طنز آثار تخریبی و زیان‌بار کمتری دارد.

۲- طنز، پاداش خشونت به نظر می‌رسد. بنابراین استفاده از طنز در صحنه‌ها خشونت‌آمیز احتمال تقلید و یادگیری بیننده را افزایش می‌دهد و رفتار خشن مخاطبان را تشدید می‌کند و حساسیت بیننده را نیز به خشونت کاهش می‌دهد.^{۸۰}

عامل مؤثر دیگر که در کودکان تأثیر بسیاری دارد، نمایش صحنه‌های خشن در کارتون‌ها می‌باشد.^{۸۱} با وجودی که در کارتون، نمایش خشونت معمولاً از طریق نقاشی متحرک و یا فیلم‌های تخیلی است و واقع‌گرایانه نمی‌باشد اما به دلیل واقع‌انگاری کودکان، آن‌ها از شخصیت‌های خشن کارتون‌ها تقلید می‌کنند.^{۸۲}

عامل مهم دیگر، ایجاد واقع‌انگاری است. بدین معنا که نمایش خشونت مانند صحنه‌های واقعی خواهد بود، به نحوی که موجب لذت بیننده گردد و مخاطب برنامه را خیال‌نپندارد.^{۸۳}

منحصر به فرد بودن خشونتی که در رسانه مزبور نمایش داده می‌شود و یافته نشدن نمونه‌های آن در سایر رسانه‌ها، عامل مؤثر بعدی است.^{۸۴}

عامل دیگر، استفاده از خشونت به عنوان راه حل مشکلات است.^{۸۵} این مسأله به ویژه در بازی‌های رایانه‌ای شایع است. در این بازی‌ها، شخصیت اصلی چه قهرمان یا تبه‌کار برای حل مشکلات خود متوسل به خشونت می‌شوند و همین مسأله در ذهن مخاطبان این نکته را تداعی می‌کند که برای حل مشکلات باید به خشونت متوسل

۷۸. آذری، «بازی‌های رایانه‌ای و خشونت»، ۱۲۳.

۷۹. حاتمی، پیشین، ۷۴.

۸۰. همان، ۷۴؛ کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۹۹؛ بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۷.

۸۱. شاه‌کرم‌اوغلی، پیشین، ۴۳.

۸۲. همان، ص ۴۳.

۸۳. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۸۶، ۸۷ و ۹۸؛ فیروزبخت، پیشین، ۲۳۵؛ حاتمی، پیشین، ۷۰؛ تنکابنی، پیشین،

۹۳؛ اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین.

۸۴. فیروزبخت، پیشین، ۲۲۹.

۸۵. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۸۹.

شوند.^{۸۶}

عوامل زمینه‌ای رسانه‌ای دیگری چون، شباهت مهاجم و شخص خشن با بیننده و سازگاری برنامه با شرایط، علایق و احتیاجات مخاطب^{۸۷}، تعداد شخصیت‌هایی که در نقش مهاجم و قربانی کشته می‌شوند^{۸۸}، جنس و سن مهاجم و قربانی^{۸۹} کل زمان تماشای صحنه‌های خشونت‌آمیز^{۹۰}، نمایش رفتار خشنی که نیت مبهمی دارد و انگیزه آن بیشتر آزار رساندن و صدمه به غیر است^{۹۱}، محور و موضوع برنامه و شبکه‌ای که برنامه از آن پخش می‌گردد^{۹۲} و کلامی یا عملی بودن خشونت^{۹۳} و ... نیز در ایجاد خشونت واقعی مؤثرند.

ج-۲) عوامل زمینه‌ای فردی

در درون هر فرد ویژگی‌هایی وجود دارد که موجب کاهش یا افزایش تأثیرپذیری از عوامل محیطی می‌گردد.^{۹۴} در تأثیر پذیرفتن از خشونت رسانه‌ای نیز این عوامل می‌توانند، نقش مهمی را ایفا کنند.

عواملی مانند ویژگی‌های شخصی بیننده^{۹۵}، احساس ناکامی بیننده پس از تماشای صحنه‌های خشن^{۹۶}، عصبانیت یا خشمناک بودن بیننده پیش از تماشای صحنه‌های خشن^{۹۷}، داشتن آمادگی قبلی کجروی، خشونت و ارتکاب جرم^{۹۸}، شخصیت، ظرفیت و میزان پرخاش‌جویی فرد^{۹۹}، شرایط زندگی فرد در میان گروه خانواده، همسالان و

۸۶. محمدنژاد، «خشونت رسانه‌ای».

۸۷. فیروزبخت، پیشین، ۲۳۴؛ اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین.

۸۸. بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۰.

۸۹. همان، ۹۰.

۹۰. تنکابنی، پیشین، ۹۶.

۹۱. اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین.

۹۲. بیابانگرد و صالحی‌سده، پیشین، ۹۰.

۹۳. همان، ۹۰.

۹۴. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۸۷؛ فیروزبخت، پیشین، ۲۳۷.

۹۵. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۱۸.

۹۶. اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین.

۹۷. همان.

۹۸. همان.

۹۹. همان؛ کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۱۸؛ نجم‌عراقی، «بزهکاری و رسانه».

مدرسه^{۱۰۰}، ضعف عزت نفس بیننده^{۱۰۱} و وجود مشکلات عاطفی در فرد، رشد ذهنی فرد و میزان درک از نتایج خشونت، جنسیت بیننده (پسران زودتر از رفتارهای خشن به نمایش درآمده تقلید می‌کنند) و سن بیننده، از زمره عوامل فردی می‌باشند.^{۱۰۲} از جمله مهم‌ترین عوامل فردی مؤثر بر تأثیرپذیری از خشونت رسانه‌ای، سن مخاطب برنامه‌های خشن است. در این زمینه باید بیان شود که کودکان در تماشای صحنه‌های خشونت، آسیب‌پذیرتر از سایر گروه‌های سنی هستند چرا که همه علل و عوامل تأثیر خشونت رسانه‌ای بیشتر درباره کودکان مطرح است و این تأثیرپذیری معلول عوامل گوناگونی است از جمله:

توانایی شناختی کودک در حال شکل‌گیری است و غالباً تعبیر کودک از برنامه‌ها با تعبیر و درک بزرگسالان متفاوت است؛ به بیان دیگر ذهن کودک رموز تحلیل عقاید، سنجش و سپس پذیرش یا طرد منطقی آن‌ها را درک نکرده است. برای کودکان حتی تشخیص موضوع اصلی داستان و تفکیک آن از موضوعات حاشیه‌ای و تمییز حوادث واقعی از غیرواقعی و درک احساسات و مقاصد شخصیت‌های داستان دشوار است؛ کودکان خردسال، خشونت در فیلم‌های تخیلی و نقاشی متحرک را بیشتر واقعی تلقی می‌کنند؛

کودکان، توانایی ارتباط دادن صحنه‌های مختلف یک برنامه را ندارند. بنابراین اگر مجازات خشونت به تعویق بیفتد، ممکن است کودک خردسال متوجه این عامل بازدارنده نشود و نتواند به سادگی میان صحنه‌ها ارتباط برقرار کند.^{۱۰۳} به طور کلی می‌توان گفت که کودکان با توجه به ویژگی‌های خود، بیشتر در معرض خشونت رسانه‌ها هستند و بیشتر از خشونت تأثیر می‌گیرند.

یکی از رسانه‌هایی که امروزه گسترش بسیاری یافته و مورد استفاده کودکان در اکثر جهان واقع می‌شود، بازی‌های یارانه‌ای است. بازی‌های رایانه‌ای که خشونت زمینه اصلی در آن‌هاست موجب تحریک گرایش‌های تهاجمی در فرد می‌شود. کپرز^{۱۰۴} معتقد

۱۰۰. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۲۱۸؛ تنکابنی، پیشین، ۹۶؛ شاه‌کرم‌اوغلی، پیشین، ۳۷؛ نجم‌عراقی، پیشین؛ اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین. ۱۰۱. اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه، پیشین.

۱۰۲. همان.

۱۰۳. کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۸۷ و ۱۰۰؛ بابایی، پیشین، ۱۳.

است آزاد شدن این گونه انرژی‌های مخرب بدون هیچ نوع کنترل در جوانان و نوجوانان می‌توان فاجعه آفرین باشد.

در بازی‌های رایانه‌ای، خشونت برای حل مشکلات و افزایش رتبه و امتیاز شخصیت اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حتی در طراحی جدید بازی‌های خشن، حس‌گرهایی تعبیه شده که بازیگر حتی درد و سوزش ضربه وارد به بدنش را نیز احساس خواهد کرد و از جنبه مجازی و خیالی خارج می‌گردد. در این بازی، بعد از نابودی دشمن، همانند صحنه کشتار واقعی خون همه‌جا را فرا می‌گیرد و اعضای قطع شده بدن انسان به هر طرف پراکنده خواهد شد. این بازی‌ها با نمایش خشونت از طریق خونریزی‌های شدید و کشتارهای بی‌رحمانه همراه پاداش و بدون تنبیه و همچنین با وجود هیجان فراوان، خشونت واقعی را در کودکان افزایش خواند داد.^{۱۰۵}

ج-۳ عوامل زمینه‌ای محیطی

میزان اهمیت رابطه رسانه‌ها و پرخاشگری به جامعه بستگی دارد و هنوز درباره میزان تأثیر رسانه بر افزایش خشونت اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین در بررسی عوامل، علاوه بر رسانه باید به سایر عوامل اجتماعی مؤثر در آن نیز توجه کرد. ارزشیابی و نظرات سایرین (صحه نهادن یا نقد رفتار خشونت‌آمیز بزرگسالان و ...)، موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد در جامعه، گروه خانواده بیننده، گروه‌های همسالان و مدرسه، وضع اقتصادی فرد و وجود محیط رقابتی از عوامل مؤثر محیطی در ایجاد خشونت در فردند.^{۱۰۶}

از مهم‌ترین عوامل محیطی، گروه خانواده بیننده است. در خانواده‌ای که اعضا دارای روابط دوستانه و خوبی هستند، خانواده می‌تواند در حین تماشای تلویزیون و یا قبل از تماشا از طریق منع مؤثر جوانان را در جریان تهیه برنامه‌ها و واقعیت زندگی قرار دهند. اگر محیط خانواده، صمیمانه و فارغ از اضطراب باشد، برنامه‌های رسانه‌ها نمی‌تواند تهدید عظیمی برای فرد باشد.

فریدمن^{۱۰۷} معتقد است: نوجوانی که در محیط نسبتاً خوب و مناسب زندگی می‌کند، هیچ‌گاه دنیای ساختگی و تخیلی تلویزیون را با تجارب شخص حقیقی و روابط

۱۰۵. آذری، «بازی‌های رایانه‌ای و خشونت»، ۱۲۷-۱۲۳.

۱۰۶. زندی، پیشین.

خانوادگی اشتباه نمی‌کند و به خوبی می‌تواند بین آن‌ها فرق بگذارد اما در مقابل کودکانی که بیشتر در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز والدین قرار می‌گیرند، بیشتر به دیدن برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون گرایش دارند و رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری از خود بروز می‌دهند. همچنین فقدان نظارت خانوادگی، اوضاع نابسامان خانواده یا انحلال آن، بی‌نظمی و سوء رفتار والدین، ضعف والدین، یتیمی، داشتن مشکل با ساکنان منزل، شاغل بودن والدین و حضور کودک در مهد کودک، بی‌توجهی به آموزش و پرورش کودکان و ... می‌تواند زمینه افزایش خشونت فرد از رهگذر رسانه گردد.^{۱۰۸}

پس این‌گونه می‌توان بیان کرد که والدین از طرق متعدد می‌توانند بر پیام‌های دریافتی کودکان از تلویزیون اثر بگذارند. آن‌ها می‌توانند با اعمال کنترل، برنامه‌های مفید را برای فرزندان‌شان انتخاب کنند و در تماشای برنامه‌ها او را همراهی کنند و یا اینکه بدون هیچ نوع کنترلی، آزادی کامل انتخاب نوع و میزان برنامه را برای فرزندان‌شان ایجاد کنند. استفاده از هر کدام از این روش‌ها می‌تواند تلقی کودکان از خشونت رسانه‌ای و استفاده از آن را تحت تأثیر قرار دهد.^{۱۰۹}

بر اساس مطالعات انجام شده، میزان پرخاشگری افزایش یافته در کودکان متعلق به والدین فعال، کمتر از کودکانی است که والدین منفعل دارند. در واقع استفاده از روش مداخله فعال والدین می‌تواند مانع تأثیرپذیری کودک از صحنه‌های خشونت‌آمیز گردد.^{۱۱۰} همچنین اگر والدین خود به تماشای فیلم‌های خشن بپردازند و در خانواده به اعمال خشونت نسبت به یکدیگر یا نسبت به کودکان بپردازند نیز می‌تواند عاملی برای افزایش خشونت باشد.^{۱۱۱}

د) پیشنهادهایی برای مقابله با خشونت رسانه‌ای

کنترل کامل و نظارت بر شرایط محیطی، فردی و ویژگی‌های طبیعی یا شخصیتی افراد، امان‌پذیر نیست، از این رو، برای مقابله با جرم و اجرای هدف پیشگیری از جرم باید با تحریک کنندگی و جرم‌زایی احتمالی رسانه‌ها مقابله شود؛ اما باید به این نکته نیز

۱۰۸. نک: تنکابنی، پیشین، ۹۶؛ فیروزبخت، پیشین، ۲۳۴؛ رشیدپور، پیشین، ۶۷؛ شاه‌کرم‌اوغلی، پیشین، ۲۹-۲۲؛

کی‌نیا، پیشین، ۱۹۷؛ کارلسون و فایلتزن، پیشین، ۱۶۳.

۱۰۹. جوادی و دیگران، «بررسی تأثیر و سبک مداخله در تماشای خشونت تلویزیونی...» ۱۱.

۱۱۰. همان، ۲۶.

۱۱۱. کانکزیک، پیشین، ۱۱۲.

توجه داشت که کنترل کامل رسانه‌ها نیز امری ممکن نیست و حتی در بسیاری از جوامع این مسأله تقبیح شده است. پس برای کاهش خشونت در رسانه‌ها پیشنهادهای زیر مفید به نظر می‌رسد:

توصیه به سیاستمداران

- تشکیل جلسات مشترک بین سیاستمداران، برنامه‌سازان و مدارس و اولیاء برای برنامه‌ریزی درباره برنامه‌های رسانه‌ای؛
- تعیین خط مشی انعکاس حوادث، مسائل خشن و ... در رسانه‌های گروهی و نظارت بر اجرای آن: برای تعیین این خط مشی باید از نظرات جرم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، سیاست‌دانان و کارشناسان رسانه، والدین، آموزگاران و ... بهره برد. در این زمینه باید به محتوای برنامه‌های رسانه توجه شود و تا حد ممکن به اصلاح رویه آن‌ها پرداخت و اگر اصلاحشان ممکن نیست، آن‌ها را متوقف ساخت البته افرادی که به بررسی سناریو و محتوای برنامه می‌پردازند نباید کارمند آن رسانه باشند که صرفاً به تأیید بپردازند؛
- نظارت بر ماهیت و حدود خشونت تلویزیونی؛
- تعیین ضوابط حرفه‌ای برای برنامه‌سازان در راه خودداری از تولید برنامه‌های خشونت‌آمیز.

توصیه به برنامه‌سازان

- پرهیز از نمایش خشونت یا کاهش آن در برنامه‌ها؛
- نمایش مجازات اعمال خشونت‌آمیز؛
- نمایش پی‌آمدهای ناگوار اعمال خشونت‌آمیز؛
- استفاده از راه‌های جایگزین برای حل مشکلات به جای خشونت؛
- عدم توجیه ارتکاب خشونت؛
- استفاده از مضامین ضد خشونت؛
- استفاده از شخصیت‌های اصلی داستان برای تقبیح خشونت؛
- تأکید بر درد و رنج عاطفی ناشی از خشونت؛
- ارائه جایگزین برای اعمال خشونت‌آمیز؛
- توجه به فرهنگ و شرایط محیطی جامعه‌ای که برنامه در آن نمایش داده می‌شود

(در هر جامعه و در هر فرهنگ، افراد تلقی‌ها و نگرش‌های متفاوتی نسبت به خشونت دارند)؛

- ساختن فیلم‌های آموزنده، جذاب و دیدنی به جای فیلم‌های خشن با تکیه بر فرهنگ جامعه خودی؛

- عدم استفاده از شخصیت‌های اصلی و مثبت به عنوان مهاجم و پرخاشگر؛

- استفاده کمتر از اسلحه و موسیقی‌های خشونت بار در برنامه‌ها؛

- عدم نمایش نزدیک خشونت با صحنه‌های کامل اعم از خونریزی، قطع عضو و

...؛

- توجه به اهداف مهاجم در اعمال خشونت (مثل خشونت در دفاع از کشور و ...)

- تفکیک آثار و نتایج خشونت عمدی و غیر عمدی؛

- کاهش فاصله اعمال خشونت و مجازات آن.

توصیه به اولیاء و مدارس

- توجه به محتوای خشونت‌آمیز برنامه‌ها در تنظیم الگوی تماشای برنامه فرزند خود؛

- توجه به سن فرزندان در تنظیم الگوی تماشای برنامه فرزند خود؛

- توجه به واقع‌انگاری کودکان در زمان تماشای کارتون‌ها و برنامه‌های تخیلی؛

- آموزش کودکان برای آگاهی از محتوای نمایشی و غیرواقعی بودن صحنه‌های

برنامه‌ها؛

- آموزش کودکان درباره نگاه نقادانه به برنامه‌های رسانه‌های گروهی (که نیازمند

تقویت ارتباط با فرزندان و اختصاص زمان به آن‌ها دارد)؛

- عدم استفاده از روش هم‌تماشایی برای تماشای برنامه‌های نامناسب و خشونت

بار (هم‌تماشایی به نوعی تأکید آن برنامه است)؛

- همراهی با فرزندان در دیدن برنامه‌های سالم جایگزین و منع غیرمستقیم از دیدن

برنامه‌هایی با محتوای خشونت؛

- ارتباط والدین با رسانه و ارائه نظرات و نقد درباره برنامه‌ها.

درباره بازی‌های رایانه‌ای که امروزه در گسترش خشونت نقش ویژه‌ای دارند توصیه

می‌شود:

- وجود نظارت دقیق و همه‌جانبه بر تولید و ساخت بازی‌های رایانه‌ای؛

- وجود نظارت دقیق و همه جانبه بر فروش و عرضه بازی‌های رایانه‌ای و جلوگیری از عرضه بازی‌های رایانه‌ای خشن؛
- آموزش به والدین درباره اثرات مخرب این برنامه‌ها برای کودکان از طریق رسانه، مدرسه و دولت؛
- نظارت والدین بر فرزندان در استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و تهیه این بازی‌ها؛
- اطلاع‌رسانی والدین به فرزندان و اقناع آن‌ها درباره اثرات مخرب بازی‌های خشن؛
- ساخت برنامه و بازی‌های رایانه‌ای جذاب متناسب با سن، جنس، ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه به عنوان جایگزین بازی‌های رایانه‌ای خشن.

نتیجه‌گیری

رسانه‌های گروهی در جوامع علاوه بر آثار مثبت در زندگی فردی و اجتماعی افراد، تأثیراتی منفی نیز بر جای می‌گذارند که امروزه تأثیرات منفی آن‌ها به مراتب بیشتر از آثار مثبت آن است. یکی از این آثار منفی، تأثیر رسانه بر افزایش خشونت در جوامع است. خشونت درون مایه بسیاری از جرایم از قبیل ضرب و جرح، قتل، برهم زدن امنیت و ... بوده و عنصر اصلی خشونت - آسیب رساندن به غیر - در این جرایم وجود دارد.

پخش خشونت رسانه‌ای، موجب تحریک، حساسیت‌زدایی، بی‌قیدی و یادگیری اعمال خشونت‌آمیز می‌گردد. مخاطبان، به ویژه کودکان و نوجوانان، بعد دیدن این برنامه عیناً به تقلید رفتارها، در عالم خارج می‌پردازند. همچنین تماشای مکرر صحنه‌های خشونت از طریق رسانه، موجب عادی شدن این اعمال می‌گردد و حساسیت ابتدایی به آن از بین می‌رود و اعمال خشونت با آرامش ذهنی بیشتر انجام می‌شود.

در بررسی عوامل مؤثر در افزایش خشونت علاوه بر عامل محیطی رسانه، باید به عوامل دیگری مانند زمینه‌های درونی فرد، سن و جنس مخاطب، محیط خانواده، نحوه ارائه تصاویر خشن در رسانه و ... نیز توجه شود.

برای مقابله با این بحران، استفاده از روش‌هایی مانند حذف کامل رسانه یا برنامه‌های خشن، نظارت کامل بر فرزندان و محدود نمودن آن‌ها در انتخاب برنامه‌ها و

یا نظارت صد درصد بر شرایط محیطی قابل اعمال نبوده و مؤثر نخواهد بود اما می‌توان با برنامه‌ریزی مشارکتی میان دولت، رسانه و مردم صورت پذیرد.

دولت موظف است بر پخش برنامه‌های رسانه نظارت کند و به آموزش تأثیرات برنامه‌های خشن برای والدین و آموزگاران پردازد و محدوده‌هایی نیز برای برنامه‌سازان تعیین نماید. برنامه‌سازان نیز باید از میزان خشونت نمایشی کاسته و به نمایش مجازات اعمال خشونت‌آمیز پردازند به جای برنامه‌های خشن به پخش برنامه‌های آموزنده، اقدام ورزند و خشونت را در راه اهداف عالی به کار گیرند. والدین و مدارس هم با آموزش کودکان، آن‌ها را از محتوای غیر واقعی برنامه‌ها آگاه سازند و همچنین برنامه‌های مناسب سن فرزندان را برای آن‌ها فراهم سازند.

فهرست منابع

کتاب

- بیات، بهرام، جعفر شرافتی، و نرگس عبدی. پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور (پیشگیری از جرم). چ ۱. تهران: معاونت اجتماعی ناجا (اداره کل مطالعات اجتماعی)، ۱۳۸۷.
- جمعی از نویسندگان. مجموعه مقالات همایش رسانه و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. چ ۱. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
- دانایی، نسرين. رسانه‌شناسی. چ ۱. تهران: انتشارات مبنای خرد، ۱۳۸۸.
- دیندار فرکوش، فیروز، و صدری‌نیا، حسین. روابط عمومی و رسانه. چ ۳. تهران: نشر سایه روشن، ۱۳۸۸.
- رشیدپور، ابراهیم. تلویزیون و اطفال. چ ۱. تهران: انتشارات رادیو و تلویزیون ملی، ۱۳۵۴.
- سوتهیل، کیت، مویرا پیلو، و کلر تیلور. شناخت جرم‌شناسی. چ ۱. ترجمه میرروح‌الله صدیق بطحایی اصل. تهران: دادگستر، ۱۳۸۳.
- مارکوس، رابرت ف. پرخاش و خشونت در جوانی. چ ۱. ترجمه علی کاظمی. یاسوج: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویر احمد، بی‌تا.
- کارلسون، اولا، و سیسیلیا فیلترن، کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی. چ ۱. ترجمه مهدی شفقتی. تهران: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
- کی‌نیا، مهدی. مبانی جرم‌شناسی. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما. چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام ملی و بین‌المللی. چ ۱. تهران: سروش، ۱۳۸۰.
- گسن، رمون. جرم‌شناسی نظری. چ ۱. ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران: مجد، ۱۳۷۴.
- نجفی توانا، علی. جرم‌شناسی. چ ۲. تهران: خط سوم، ۱۳۸۰.

وبرن، بارون. ماهیت پرخاشگری و شیوه‌های کنترل آن. چ ۱. ترجمه زینب افشار. یاسوج: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویر احمد، بی‌تا.

مقالات

آذری، سعید. «بازی‌های رایانه‌ای و خشونت». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۵۴ (۱۳۸۷): ۱۳۷-۱۲۱.

اداره کل پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات کاربردی اداره کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه. «بررسی نقش رسانه‌های گروهی در پیشگیری از وقوع جرم». روزنامه قدس، ۱۳۸۴/۴/۱۲.

بابایی، علی. «آثار رسانه‌های گروهی بر انحرافات اجتماعی». اصلاح و تربیت ۱۱۴ (۱۳۸۳): ۱۵-۱۲.

بهمن‌آبادی، یوسف. «تلویزیون و کاهش قبح خشونت». روزنامه همشهری، ۱۳۸۶/۲/۳۱.

بیابانگرد، اسماعیل، و زیبا صالحی سده. «تحلیل محتوای خشونت در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۴۸ (۱۳۸۵): ۸۵-۱۱۲.

پایمزد، حسین. «خشونت رسانه‌ها: مروری بر کژکارکردهای تلویزیون، موسیقی، نقاشی و سینما». روزنامه همشهری، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

جوادی، فاطمه، فرامرز سهرابی، محمدرضا فلسفی نژاد، و احمد برجعلی. «بررسی تأثیر و سبک مداخله (نظارت) در تماشای خشونت تلویزیونی بر پرخاشگری پسران ۹-۱۱ ساله». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۵۴ (۱۳۸۷): ۷-۳۲.

چاله‌چاله، فرشید. «اصول و مبانی پیشگیری از جرم - قسمت اول». دادرسی ۶۷ (۱۳۸۷): ۵۵-۴۵.

حاتمی، محمد. «اثرات خشونت تلویزیونی بر بینندگان و عوامل مؤثر بر آن». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۵۴ (۱۳۸۷): ۷۹-۵۷.

حاج محمدی، قاسم. «کنترل از راه دور: نقش رسانه‌ها در کاهش یا افزایش جرایم». حزب‌الله ۲، ۱۳۸۵/۱۱/۳.

حسینی انجدانی، مریم. «بررسی تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۵۴ (۱۳۸۷): ۹۹-۸۱.

زندى، مجید. «دعوت به تماشای خشونت در برنامه‌های تلویزیون». روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۱۱/۵.

شادمانفر، پرویز. «رسانه‌های گروهی؛ آموزش بزهکاری یا پیشگیری!». روزنامه حمایت، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

فاضل، رضا. «رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید و توسل به آن در کودکان». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۵۴ (۱۳۸۷): ۵۶-۵۶.

۳۳

سورت، رای. «ساخت اجتماعی جرم و خشونت رسانه‌ها به مثابه یک علت». ترجمه مهرداد فیروزبخت. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۲۶ (۱۳۸۰): ۲۶۶-۲۲۷.

کانکزیک، مایکل. «پژوهش‌های جدید در باب رسانه و خشونت». ترجمه محمدحسن

شیخ‌الاسلامی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۵۴ (۱۳۸۷): ۱۱۹-۱۰۱.
 محمدنژاد، علی. «خشونت رسانه‌ای». روزنامه جام جم، ۱۳۸۵/۱۱/۱۶.
 نجم عراقی، لعیا. «بزهکاری و رسانه». روزنامه آرمان روابط عمومی، ۱۳۸۶/۴/۱۳ و ۱۳۸۶/۶/۲۹.
 نیلسن سیمون، و جونا اسمیت. «بازی با آتش». ترجمه معصومه عصام. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش) ۴۸ (۱۳۸۵): ۱۹۰-۱۷۳.

پایان‌نامه‌ها

تنکابنی، فریده. «اثرات خشونت در تلویزیون بر رفتار خشونت‌آمیز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیما، ۱۳۵۸.
 شاه‌کرم اوغلی، ابوالفضل. «تصاویر خشونت‌آمیز تلویزیونی از طریق سیراب نمودن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیما، ۱۳۵۸.
 صدر، شعله. «اثرات رسانه‌های همگانی، بررسی نقش و اثرات فرهنگی و اجتماعی رسانه‌های همگانی بر روی فرد و اجتماع». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیما، ۱۳۵۸.
 قاسمی، محمد. «رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی - تصویری و بزهکاری نوجوانان در شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Visual Media and Violence

Tahereh Abedi Tehrani (Ph. D.) & Fatemeh Afshari

The media is one of the most important effective factors in society life. The TV, radio, internet, satellite and ... are important because nowadays, the media has a basic role in causing the crimes and departures and also it has positive effect more than before and have an important role in reducing social problems and crimes. One of the cases that are blat for crimes and media special visual media effects on its creation is violence. The element of violence is blemish to other persons that knows as a crime in many cases.

The visual media, makes the root for learning violence from media by making the audience accustomed, desensitivity, latituding and ... and after that, this violence, exactly is, imitated and performed in the society. But in making real violence interfere other reasons too, like media's root's reasons, personal reasons, and environmental reasons. One of the most important is age. Media has more effects on younger people, because they are realist and their recognition ability is weak so they can not make a good relationship between scenes of programs and the final result.

Despite these effects, it's necessary for the government, the program producers, the schools and parent to try to control media by participating status program, supervising on its program, giving more attention to the program's contents and giving programs which are suitable for the audience ages.

Keywords: media, violence, prevention, learning, Imitation.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. I, No. 1

2013-1

- **New Aspects of Application of Criminal Law in Space in the New Islamic Penal Code** 3
Ali Khaleghi
- **Special Canons of Interpretation in Criminal Law** 3
Ali Shojaei
- **Fair Trial Criteria of the Accused Arrest** 4
Mohammad Farajiha & Mohammad Bagher Moghadasi
- **Freedom Oriented Criticism of the Blasphemous Speech** 4
Mohammad Hadi Zakerhossein
- **Obstacles before National Courts in Prosecuting International Criminals Based on Universal Jurisdiction** 4
Masoumehsadat Mirmohammadi
- **Civil and Criminal Liability of the Manufacturer of Non Standard Products** 5
Sadegh Dashti & Pejman Mohammadi & Hossein Aghaei Jannatmakan
- **Visual Media and Violence** 5
Tahereh Abedi Tehrani & Fatemeh Afshari
- **Study of the Area of Application of the Presumption of Innocence by the European Court of Human Rights** 6
Behnam Medi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study